

# ژنرال سمینو

## در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات\*

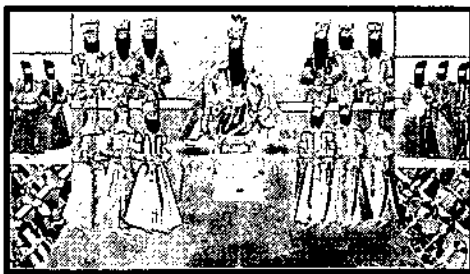
● هدا سید حسین زاده

ژنرال سمینو یکی از ماجراجویان فرانسوی بود که دست تقدیر او را به ایران کشاند و از آن پس خود به‌اختیار، ماندن در این سرزمین را برگزید و بیشترین مدت زندگی خود را (۲۷ سال) در ایران سپری کرد. سمینو در ۱۹ نوامبر ۱۷۹۷ م. در نیس متولد شد. پدر او امبرواز سمینو (Ambroise Semino) تبعه سارد و کنسول جمهوری لیگور در نیس بود و پدر بزرگ مادری‌اش پی‌یر بلاردی (Pierre Belardi) کاپیتان نیروی دریایی بود که به انقلابیون فرانسوی خدمت می‌کرد.

کودکی و نوجوانی بارتمی به دلیل موقعیت خاص خانوادگی و اوضاع سیاسی وقت، در قبرس، مالت، تونس و ناپل سپری شد. در ناپل بود که بارتمی وارد کالج نظامی شد و در حالی که بیش از ۱۴ سال نداشت به دلیل کمبود نیرو به عنوان افسر درجه سه به‌دانش در اودین خدمت کرد. او به دلیل خدماتش در فوریه ۱۸۱۴ م. به دریافت رتبه نایب دومی مفتخر شد. سمینو در آرزوی ملحق شدن به ارتش ناپلئون بود و تلاش بسیاری نیز در این جهت کرد اما موفق نشد.

پس از سقوط ناپلئون در ژوئن ۱۸۱۵ م. بارتمی انقلابی مایل نبود به بوربن‌ها خدمت کند و به همین دلیل از ارتش کناره گرفت و به فراگیری زرگری روی آورد و در سال ۱۸۱۹ م. به مارسیل و از آنجا به اودسافر کرد. انگیزه وی از رفتن به روسیه، تاسیس چاپخانه‌های با حمایت روس‌ها بود. اما در اودسا نیز روح سرکش و ناآرام وی، او را به عضویت انجمن انقلابی استقلال طلبان یونانی درآورد، و او تمام پس‌انداز خود را که ۳۰۰۰ روبل بود در سال ۱۸۲۱ م. در نبرد ملناوی از دست داد. نهضت شکست خورد و بارتمی توسط روس‌ها دستگیر و یک سال بند آزاد شد. پس از آن وی با حمایت یکی از تجار، وارد تجارت دریای سیاه شد و تا سال ۱۸۲۴ م. در مینگرلی فعالیت می‌کرد اما در این سال در حالی که بیمار بود به تفلیس رفت و در آنجا به پیشنهاد پزشکان و تعاریفی که کلنل مانتیث (Monthilth) از آب و هوای تبریز کرده بود، راهی این شهر شد و به پیشنهاد کاپیتان هانری ویلوک (Henry willoch) انگلیسی وارد کمپانی هند شرقی شد و دو الی سه سال در این کمپانی به تهیه نقشه‌های جغرافیایی مشغول شد که به گفته کالمار قسمت اعظم نقشه‌های شمال شرقی ایران را تهیه کرد که در سال ۱۸۲۸ م. توسط مانتیث در لندن چاپ شد. گویا سمینو مدتی نیز به‌عنوان مترجم انگلیسی‌ها در خدمت آنها بود، اما فرانسوی بودن وی، کارکردن به همراه انگلیسی‌ها را برایش دشوار می‌ساخت و او که نمی‌خواست شاهد زخم‌زبان انگلیسی‌ها علیه فرانسوی‌ها باشد از کار خود کناره گرفت. و به خدمت ملک قاسم میرزا حاکم ارومیه درآمد.

از این طریق وارد اردوی عباس میرزا شد که در این زمان نیاز فراوان به متخصصین خارجی داشت. تقریباً از این زمان است که سمینو به گونه جدی و فعال به خدمت دولت ایران در آمد و به صورت نیرویی کار آمد تا سال‌های طولانی در این جایگاه باقی ماند. سمینو در خدمت عباس میرزا در نبردهای سخت سال ۱۲۴۳ ق/ ۱۸۲۷ م. شرکت کرد. اما با اشغال تبریز در ۱۲۴۴ ق/ ۱۸۲۷ م. توسط روس‌ها، ایران ناچار شد به امضای عهدنامه صلح با روس‌ها



ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات



- ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات
- به گوشش: منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سعید میر محمد صادق مقدمه از: ژان کالمار
- ناشر: انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران و نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۵.

کتابی که با عنوان ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات به چاپ رسیده است، برگزیده‌ای از مجموعه نامه‌های ژنرال بارتمی سمینو (Barthelemy Semino) است.

سمینو از سال ۱۸۲۴ م / ۱۲۴۰ ق تا ۱۸۵۱ م / ۱۲۶۸ ق. در ایران زندگی کرد و در این مدت مقامات و مشاغل مختلفی را در دولت قاجارها به عهده داشت. وی رونوشتی از نامه‌های خود را که به مناسبت‌های مختلف برای افراد می‌نوشت، جمع‌آوری کرد که به همراه اسناد خصوصی وی، ۱۵۲ سند را که بیشتر آنها به زبان فرانسه نوشته شده بودند تشکیل می‌دهد. این اسناد اطلاعات و وقایع سال‌های ۱۸۲۰-۱۸۵۰ م / ۱۲۳۶-۱۲۶۷ ق. را در برمی‌گیرد. متأسفانه سمینو پاسخ‌نامه‌های خود را در پرونده نگذاشته است. ناصر سمینو از خانواده ژنرال سمینو، در سال ۱۲۵۶ شمسی تصمیم می‌گیرد این مجموعه را برای چاپ در اختیار روزنامه اطلاعات قرار دهد. نامه‌ها که به زبان فرانسه و با خط تحریری بودند، توسط انتشارات اطلاعات به فرانسه تایپ شدند، اما با آغاز انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۶ کار نشر این نامه‌ها متوقف ماند. در سال ۱۳۶۹ ش. ناصر سمینو ترجمه و نشر این نامه‌ها را با دکتر منصوره اتحادیه مدیر نشر تاریخ ایران در میان گذاشتند. همچنین در سال ۱۹۸۱ م / ۱۳۵۹ ش. تصویر اسناد این پرونده توسط ناصر سمینو در اختیار پرفسور ژان کالمار (Jean Calmard)، استاد ایران شناسی دانشگاه سوربن (پاریس III) قرار گرفت و کالمار که به سرگذشت فرانسویانی که به ایران مسافرت کردند، علاقه خاصی دارد به بازماندگان سمینو قول می‌دهد تا تمامی یاگزیده‌ای از اسناد این پرونده را چاپ کند. سرانجام گزیده‌ای از این اسناد توسط نشر تاریخ ایران ترجمه شد و با همکاری خانواده سمینو، پرفسور ژان کالمار و دکتر منصوره اتحادیه، همین گزیده به چاپ رسید. این کتاب دارای دو بخش اصلی است: نخست گزیده‌ای از اسناد است که ملاک این گزینش، ارتباط نامه‌ها با تاریخ ایران قاجار و مکرر نبودن موضوع آنهاست؛ دوم مقدمه مفصل و تحقیقی است که پرفسور کالمار به زبان فرانسه نگاشته است. این مقدمه به‌همت دکتر اتحادیه به فارسی ترجمه شده است تا علاقه‌مندان بتوانند به هر دو متن دسترسی داشته باشند. در خور یادآوری است که پس از نامه‌های بارتمی سمینو، مکاتباتی درباره به قتل رسیدن مودب السلطان (شارل سمینو) نوه بارتمی سمینو در ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۲۷ که ریاست نظمی آنزلی را به عهده داشت، آمده است.

شاید بتوان نامه‌های سمینو را به دو دسته تقسیم کرد: نخست نامه‌هایی که وی برای دریافت حقوق موقوفه خود یا برای باز پس گرفتن اموال فرزندخوانده‌هایش به مقامات ایرانی یا روسی نوشته‌است و دوم نامه‌هایی که در ارتباط با وظایف و ماموریت‌های وی و خاطرات او است که قسمت دوم اهمیت ویژه‌ای برای این دوره از تاریخ ایران و بررسی‌های سیاسی و اجتماعی دارد. در مقاله حاضر ضمن معرفی مختصر ژنرال سمینو و خدمات وی در ایران بررسی گذرا و سریعی نیز بر برخی نامه‌های او که در ارتباط با وقایع تاریخی ایران هستند، شده است.

رضایت دهد.

ماجرای انتقال اجباری آرامنه پس از تعیین حدود مرزهای ایران و روسیه به خاک روس‌ها از صفحات غم‌انگیز این دوره از تاریخ ایران است و سمینو که از سوی عباس میرزا مامور سرپرستی مهاجرت آرامنه شده بود، در این خصوص می‌نویسد:

«آن عده از آرامنه را که می‌خواستند در خانه‌های اجدادیشان باقی بمانند، بی‌جهت می‌ترسانیدند و به زور به آنها پول می‌دادند تا ایران را ترک کنند، و اگر برخی از آرامنه می‌خواستند پول‌هایی را که تحویل گرفته بودند پس داده، از رفتن به آن سوی ارس خودداری کنند، قزاق‌ها باشلاق به جانشان می‌افتادند و آنها را به زور مجبور می‌کردند کانون زندگی خود را که در آن نان و آبی داشتند، رها کرده برای مردن‌باز گرسنگی به آن سوی ارس بروند. نتیجه این شد که در همان نخستین سال مهاجرت عده‌ی زیادی از این بدبخت‌ها از گرسنگی و بیماری جان دادند.»<sup>۴</sup>

سمینو به پاس خدمات صادقانه خود از سوی دولت ایران مثال گرفت که به گفته کالمار «هیچ اروپایی به جز سمینو آن را دریافت نکرده است.»<sup>۵</sup> او هم چنین با زتبه‌کنلی، آجودان عباس میرزا شد.

سمینو جزو هیاتی بود که پس از قتل گریبایدوف در فوریه ۱۸۲۹ م / ۱۲۴۵ ق. از سوی ایران به روسیه رفت و در آنجا به پاس خدماتش به موافقت روسای خود، حقوقی معادل ۱۲۰ دوکا در سال از سوی دولت روسیه دریافت کرد. پس از آن سمینو همواره در کنار عباس میرزا در اردوکنی‌های داخلی وی شرکت کرد. پس از مرگ عباس میرزا در ۱۲۴۹ ق. وی به خدمت محمد شاه (حک ۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) درآمد. ماجرای محاصره هرات و ناتمام ماندن آن سبب شد تا این بار محمد شاه، سمینو را فرمانده قشونی کند که مأموریت تصرف هرات را داشت. سمینو پس از زحمات بسیار در سال ۱۲۵۴ ق / ۱۸۳۸ م. توانست شهر را به محاصره خود درآورد، اما عدم اطلاع وی از سیاست دولت ایران که نمی‌توانست موضوع روشن و قاطعی در برابر روس‌ها و انگلیسی‌ها در پیش بگیرد، سبب شد تا تمام زحمات وی بی‌نتیجه‌ماند. سیاست دوپهلوی ایران در برابر انگلیس و روسیه، نتیجه‌ای جز کشته شدن بی‌هوده سربازان ایرانی و اتلاف وقت و انرژی نداشت. سمینو در این باره می‌نویسد:

«محمدشاه برای آنکه حسن نیت خود را به روس‌ها نشان دهد بی‌محابا سربازان خود را به کشتن می‌داد و در عین حال با صدور دستورهای مخفی، کاری می‌کرد که موفقیتی نصیب ارتش ایران نشود تا به این ترتیب انگلیسی‌ها را نیز راضی نگه نارد.»<sup>۶</sup> و زمانی که وی فقط دو روز مهلت از دولت ایران خواست تا محاصره را به حصار اصلی شهر بکشاند و پیروزی را بدست آورد، با مخالفت زمامداران ایرانی مواجه شد. سمینو می‌نویسد: «کسی به حرف من گوش نکرد و دولت متبوعم (ایران) که ده ماه پیرامون هرات وقت همداده و یا به کارهای پوچ و بی‌معنی دست زده بود، با دادن تنها دو روز مهلت موافقت نکرد. آنها برای اینکه حمله فوراً آغاز شود ساعت سعد را به بهانه‌می‌آوردند و می‌گفتند اوضاع ستارگان اکنون به‌گونه‌ای است که در صورت حمله فوری، موفقیت‌آلود لشکرکشی ایران خواهد بود. اما حقیقت چیز دیگری بود. دولت ایران می‌خواست من با یک حمله شتاب زده شکست بخورم.»<sup>۷</sup>

پس از آن سمینو در اصفهان، فارس و در بغداد برای حل مشکلات مرزی ایران و عثمانی انجام وظیفه کرد. در سال ۱۲۶۴ ق. / ۱۸۴۵ م. سمینو برای تهیه گزارشی درباره رودخانه کارون به غرب سفر کرد. سال‌های آخر سلطنت محمدشاه، دوران سخت زندگی سمینو نیز بود زیرا محمد شاه همواره نسبت به سمینو نظر مساعد توأم با اعتماد داشت و علت آن خدمات صادقانه سمینو در زمان عباس میرزا و در زمان خود وی بود. به همین دلیل گویا اطرافیان محمدشاه سعی می‌کردند تا از

### خاطرات سمینو

که پس از نشیب و فراز فراوان اکنون در اختیار ما قرار گرفته است، اطلاعات دست اول و تازه‌ای در خصوص تاریخ سیاسی، اجتماعی ایران در اختیار ما می‌گذارد که با دید متفاوت یک فرد خارجی، آن هم بدون وابستگی سیاسی و روابط دیپلماتیک خاص ثبت شده‌اند.

مجموعه خاطرات سمینو، سرگذشت مردی است که به دنبال اندیشه انقلابی و برای دستیابی به اهداف و آرمان‌هایش از وطن و خویشان خود دل بر کند و تمامی سعی و تلاش‌اش را برای خدمت کردن و زیستن توأم با صداقت و شرافت انجام داد.

سمینو بارها علیرغم نیاز به پول و در زمانی که حتی برخی از ایرانیان حاضر بودند برای رسیدن بدان به کشور خود خیانت کنند، برای حفظ حیثیت خود از آن چشم پوشید.

### این کتاب

دارای دو بخش اصلی است: نخست گزیده‌ای از اسناد است که ملاک این گزینش، ارتباط نامه‌ها با تاریخ ایران و قاجار و مکرر نبودن موضوع آن‌هاست، دوم مقدمه مفصل و تحقیقی است که پروفیسور کالمار به زبان فرانسه نگاشته است.

راه‌های مختلف وی را از چشم شاه بیندازند. این فشارهای روحی در یکی از نامه‌های سمینو به خواهرش مادام لوزنی الیزابت گلز (Eugenie Elisabeth Gleize) که به تاریخ ۱۸۴۵ م / ۱۲۶۱ ق. نوشته منعکس شده است. وی دل‌تنگی خود را چنین بیان می‌کند: «... از این زندگی و از این ضعف و سستی و سیاست بی‌معنای دولت ایران خیلی خسته و دل‌تنگ شده‌ام.»<sup>۸</sup>

با مرگ محمدشاه و به تخت نشستن ناصرالدین‌شاه (حک ۱۲۶۴-۱۳۱۲ ق) موقعیت سمینو بهبود نیافت و گویا میرزا تقی خان امیر کبیر، صدراعظم شاه نیز نسبت به وی، نظر چندان مساعدی نداشته است که دلیل آن روشن نیست.

بار دیگر بنا به ضرورت روزگار، سمینو مامور سرکوبی شورش محمد حسن خان سالارالدوله در ۱۲۶۲ ق / ۱۸۴۶ م. در خراسان شد. فرماندهی قوا علیرغم قولی که به سمینو در این خصوص داده شده بود، به سردار اسکندر خان محمول شد و شاهزاده سلطان مراد میرزا عموی ناصرالدین شاه نیز در رأس این نیرو قرار داشت. خاطرات سمینو از این لشکرکشی، تصمیمات ناخردانه سلطان مراد میرزا که بدون مشورت با اسکندر خان و سمینو، انجام می‌شد، بار دیگر ضربات جبران‌ناپذیری به سپاهیان حکومت مرکزی وارد کرد.

در نامه‌ای که سمینو به کنت دوسارتیژ (desartiges) وزیر مختار فرانسه در تهران نوشته، به خوبی جریان حوادث را شرح داده است. وی نخست به نامنظم بودن افراد نظامی که به قول وی «حتی از ساده‌ترین آموزش‌های نظامی بهره‌ای نبرده‌اند.»<sup>۹</sup> و کمبود وسایل و تجهیزات ابتدایی چون بیل و کلنگ سخن می‌گوید.<sup>۱۰</sup>

سیاست نادرست شاهزاده سلطان مراد میرزا و عدم لیاقت افسران برای کنترل سربازان و ظلم و ستم افراد لشکر که از هیچ‌گونه آزار و اذیت به روستائیان بی‌پناه خودداری نمی‌کردند، وقایعی است که شاید در هیچ یک از منابع تاریخی این دوره نتوان یافت. زمانی که این نیروها دهکده امروستان در خراسان را که به محمدخان بقایری تعلق داشت، محاصره کردند، پس از شکست، تفنگچی‌های محمدخان، سربازان به دهکده حمله کرده، در حالی که افسران، آنها را در این کار آزاد گذاشته بودند، سمینو درباره یکی از رقت‌آورترین این صحنه‌ها می‌نویسد:

«مادر بدبختی را دیدم که کاملاً عریان با فرزندانش خویش که یکی را روی کول و دو دیگر را در زیر بغل‌هایش گرفته بود و آنها نیز عریان بودند، در حالی که تا زانو در برف فرو رفته بودند به سمت دهکده دیگری می‌رفت. بدن این بدبخت‌ها از سرما کبود شده بود. بدون شک همه آنها در راه از بین می‌رفتند. من کت یکی از مستخدمین خود را گرفته، به این زن بدبخت دادم، او هم صمیمانه مرا دعا کرد.»<sup>۱۱</sup>

نارضایتی سمینو از اوضاع سیاسی ایران که دخالت سفارت‌خانه‌های روس و انگلیس در امور ایران و تنگ‌تر شدن عرصه فعالیت سمینو، فرانسوی را در پی داشت، سبب شد تا او به فکر بازگشت به فرانسه بیفتد. اما پیش از آن او باید طلب‌های خود را از دولت ایران وصول می‌کرد. پس از تلاش و نامه‌نگاری‌های بسیار، سرانجام او موفق شد مقداری از حقوق گذشته‌اش را بگیرد. فشارهای جانبی چنان سمینو را آزار می‌دادند که سرانجام وی بدون آن که خانه خود را بفروشد و فقط با واگذار کردن آن به دوست فرانسوی‌اش ژول ریشار (Richard Jules) در سال ۱۲۶۸ ق / ۱۸۵۱ م. راهی قسطنطنیه شد. خانواده پرجمعیت وی به همراهش بودند، در حالی که وی هزینه رفتن به فرانسه را نداشت. سرانجام وی پس از سال‌ها خدمت، در حالی که نگران آینده خود و فرزندانش بود، در همان کشور به سال ۱۲۶۹ ق / ۱۸۵۲ م. در از میر درگذشت.

خاطرات سمینو که پس از نشیب و فراز فراوان اکنون در اختیار ما قرار گرفته است. اطلاعات دست اول و تازه‌ای در خصوص تاریخ سیاسی، اجتماعی ایران در اختیار ما می‌گذارد، که با دید متفاوت یک فرد خارجی آن هم بدون وابستگی سیاسی و روابط دیپلماتیک خاص ثبت شده‌اند. مشاهدات و توجه سمینو به صحنه‌هایی که ناظر آنها بود و نوشتن آنها حتی به صورت مختصر، حاصل اندیشه و نگاه خاص او به این حوادث بود، چرا که بسیاری از ایرانیان نیز همین صحنه‌ها را بارها و بارها دیده‌اند، اما حتی بدانها توجه نکرده و چیزی راجع به آنها نوشته‌اند، مجموعه خاطرات سمینو، سرگذشت مردی است که به دنبال اندیشه انقلابی و برای دستیابی به اهداف و آرمان‌هایش از وطن و خویشان خود دل برکنده تمامی سعی و تلاش‌اش را برای خدمت کردن و زیستن توأم با صداقت و شرافت انجام داد. سمینو بارها غلبه غم، نیاز به پول و در زمانی که حتی برخی از ایرانیان حاضر بودند برای رسیدن بدان به کشور خود خیانت کنند، برای حفظ حیثیت خود از آن چشم پوشید. سمینو در یکی از نامه‌های خود به هنگامی که برای تعیین حدود مرزهای ایران و روس منصوب شده بود، نوشت:

«قبل از اینکه برای انجام این ماموریت عازم مرز بشوم، سرهنگ مانیت به دیدنم آمد و پیشنهاد کرد که کمپانی هند سالانه پانصد سکه طلا به من کمک خرج می‌دهد به شرط آنکه جای خود را به عنوان نماینده تعیین مرزهای ایران و روسیه به او واگذار کنم، من این پیشنهاد را رد کردم، به خاطر اینکه آبرو و شرف خود را به پول ترجیح می‌دادم.»<sup>۱۲</sup>

و در جایی دیگر به هنگام محاصره هرات می‌نویسد:

«ولت امپراتوری انگلیس پیشنهاد کرده بود سالانه شصت سکه طلا به من پرداخت شود، به شرط آنکه خود را به بیماری زده و ایران را ترک گویم و در هر کشور دیگر اروپایی که بخواهم زندگی کنم، اما من به خاطر علاقه‌ای که به منافع شاه و کسب افتخار برای ایران داشتم، با همه قدرت برای فتح هرات کوشیدم.»<sup>۱۳</sup>

سمینو در نامه‌های خود به جز وقایع عمده‌ای که در آنها شرکت داشته، گاه اطلاعات جانبی نیز در خصوص امور ایران و اوضاع شهرها و حکومت آن می‌دهد، که از آن میان می‌توان به اوضاع فارس و اختلاف اشراف آن جا با حکومت مرکزی اشاره کرد. هم چنین از خلال این نامه‌ها می‌توانیم به اوضاع آشفته دربار و وزرای آن‌هی ببریم، چنان که یکی از کشمکش‌های اصلی سمینو، بازپس گرفتن حقوق معوقه خود و فرزندان باروفسکی (Borowsky) که فرزند خوانده‌های سمینو بودند، بود. سمینو در نامه خود آورده است که پنج سال مستمری پسران باروفسکی را حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمد شاه خورده بود و خود وی نیز به آن اعتراف داشت و قرار شد که این پول را از عایدی املاکش بپردازد، اما به قول خود وفا نکرد و بدون آنکه بدهی خود را بپردازد، درگذشت.<sup>۱۴</sup>

نکته در خور توجه در خاطرات سمینو در این است که اگرچه سمینو در نهایت صداقت و شجاعت به دولت ایران خدمت کرده بود اما هر آن گاه که فشارهای دول روس و انگلیس بر دربار ایران، سبب بی‌اعتنایی زمامداران ایرانی نسبت به فرانسویان و اتباع آنها در ایران می‌شد، سمینو ناخودآگاه تحت تاثیر قرار گرفته و رهنمودهایی برای نشان دادن قدرت فرانسه به ایران و کشورهای دیگر می‌دهد. که از آن میان می‌توان بنامه‌ای که به تاریخ جمادی الثانی ۱۲۶۵ ق / ۱۸۴۹ م، به اگوست شه (chéh Auguste) نماینده ایالت آلپ سفلی در پاریس نوشته اشاره کرد: «کافی است دولت ما چند کشتی جنگی بنا ۱۵۰ نفر به خلیج فارس اعزام داشته، جزیره کوچک خازک را که در انتهای خلیج فارس قرار دارد، تصرف کند. این حرکت کافی خواهد بود تا دولت فعلی ایران را مجبور سازد که با عدالت بیشتر با فرانسه

**ژنرال سمینو**  
در سال ۱۲۵۴ ق / ۱۸۳۸ م.  
**توانست شهر هرات را به محاصره خود در آورد، اما عدم اطلاع وی از سیاست دولت ایران که نمی‌توانست موضع روشن و قاطعی در برابر روس‌ها و انگلیسی‌ها در پیش بگیرد، سبب شد تا تمام زحمات وی بی‌نتیجه بماند.**

مواجه گردد و یا موجب آن خواهد شد تا فرانسویانی که امروز در این کشور رها شده‌اند دارای حیثیت بیشتری شوند.<sup>۱۷</sup>

سمینو در نامه دیگری که چند روز بعد به دانو (Danau) و کنت دوسار تیو می‌نویسد، آورده:

«من معتقدم که با یک قوای کوچک شاید بادو هزار نفر بتوان خازک و بوشهر را گرفت، حتی همه اعراب ساحل را که از دولت مرکزی متفرهستند، علیه ایران تحریک کرد به خصوص اگر انگلیسی‌ها که بین اهالی منطقه نفوذ دارند، در این کار پیش دستی نکنند.»<sup>۱۸</sup>

در خاتمه ذکر چند نکته در ارتباط با نحوه چاپ کتاب ضروری است. نخست این که اگر چه آوردن بخش یادداشت‌ها یا ضمیمه در پانویس‌ها یا در آخر کتاب، امری ذوقی است که به روشن هر مؤلفی ارتباط دارد، اما شاید بهتر بود، همان گونه که کالمار خود، یادداشت‌هایش را در پایین هر صفحه آورده است، در ترجمه آن نیز چنین می‌شد، چرا که تجربه نشان داده است مراجعه به پانویس‌ها در هر صفحه برای خواننده بسیار عملی‌تر و ساده‌تر است تا این که آنها در بخش مجزایی آورده شوند. نکته دیگر در ارتباط با مجموعه کل نامه‌ها است که در آخر کتاب آمده است. اگر این نامه‌ها شماره‌گذاری می‌شد و نامه‌هایی که برای ترجمه فارسی از میان آنها انتخاب شده و در کتاب آمده‌اند، مشخص می‌شدند، پیدا کردن نامه‌ای خاص از میان فهرست نامه‌ها بسیار آسان‌تر بود. در پایان باید از ناشر و طراح جلد کتاب برای طرح زیبایی آن تشکر کرد، و در خور یادآوری است که قرار است متن کامل مجموعه اسناد سمینو که به همراه تحقیقات مفصل پرفسور ژان کالمار درباره خانواده و اشخاصی که به نحوی در ارتباط با وی بودند، از سوی این محقق برجسته به زبان فرانسه و در همان کشور چاپ شود که امیدواریم پس از چاپ، در ایران نیز به فارسی ترجمه و در اختیار محققین و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران قرار گیرد.

**این کتاب برگزیده‌ای از مجموعه نامه‌های ژنرال بار تلمی سمینو است که از سال ۱۸۲۴ م / ۱۲۴۰ ق تا ۱۸۵۱ م / ۱۲۶۸ ق.**

**در ایران زندگی کرد و در این مدت مقامات و مشاغل مختلفی را در دولت قاجار بر عهده داشت.**

**ژنرال سمینو یکی از ماجراجویان فرانسوی بود که دست تقدیر او را به ایران کشاند و از آن پس خود به اختیار، مانند در این سرزمین را برگزید و بیشترین مدت زندگی خود را (۲۷ سال) در ایران سپری کرد.**

**سمینو به پاس خدمات صادقانه خود از سوی دولت ایران مدال گرفت که به گفته کالمار «هیچ اروپایی به جز سمینو آن را دریافت نکرده است» او همچنین بار تبه کلنلی، آجودان عباس میرزا شد.**

پی‌نوشت‌ها:

\* ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سعید میر محمد صادق، با مقدمه ژان کالمار، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۵.

- ۱- برای شرح حال سمینو به جز نامه‌های وی که در کتاب آمده است، از مقدمه پرفسور ژان کالمار نیز استفاده شده است.
- ۲- ژنرال سمینو در خدمت ایران عصر قاجار و جنگ هرات پیشین، یادداشت‌های کتاب، شماره ۱۳.
- ۳- همان، ص ۹۳.
- ۴- همان، ص ۹۴-۹۵.
- ۵- همان، یادداشت‌های کتاب، شماره ۱۶.
- ۶- همان، ص ۸۳.
- ۷- همان، ص ۸۴-۸۵.
- ۸- همان، ص ۱۱۵.
- ۹- همان، کالمار، ص ۳۱.
- ۱۰- همان، ص ۱۵۸.
- ۱۱- همان، ص ۱۵۹.
- ۱۲- همان، ص ۱۲۴.
- ۱۳- همان، ص ۹۵.
- ۱۴- همان، ص ۱۰۱.
- ۱۵- همان، ص ۱۰۹.
- ۱۶- همان، ص ۱۹۸، ۲۰۹.
- ۱۷- همان، ص ۱۸۴.
- ۱۸- همان، ص ۱۹۰.